

Reexamining the Position of Head of Legislature in Iran's Constitutional Law System

**Seyed Ahmad
Habibnejhad** 

Associate Professor, Department of International and Public Law, Faculty of Law, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

Ahmad Taghizadeh* 

Ph.D, Public Law, Faculty of Law, Faculty of Law, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

Abstract

Assignment of multiple positions to the "Head of the Legislature" under various laws and regulations, and the necessity for his presence in various councils and assemblies, make it necessary to explain it in concrete sense. So, the main question in this article is, to which position the title of the "Head of the Legislature" can be applied? To answer this question, by using the analytical-descriptive method, it can be said that in the absence of external evidence and in terms of the different qualifications enumerated in different laws for the Speaker of the Parliament as well as absurdity of establishing this term, these powers are beyond the control of the Parliament and also, given the significant role of the Parliament in the legislative process compared to Guardian Council and Expediency Council, it can be said that the title of Head of the Legislature is properly applicable to the "Speaker of the Parliament". The difference between these two terms are infra and beyond the Legislature. If the relation of the Head of the Legislature with the parliament and its representatives is taken into account, then the term of "Speaker of Parliament" would be used and if his/her relation is compared with institutions and authorities outside the parliament, then the term "Head of Legislature" would be proper to be applied.

Keywords: Internal Rules of Procedure of the Islamic Consultative Assembly, Head of the Legislature, Speaker of the Islamic Consultative Assembly, Guardian Council, Legislature.

* Corresponding Author: ah.taghizadeh@yahoo.com

How to Cite: Habibnejhad, S. A., Taghizadeh, A., "Reexamining the Position of Head of Legislature in Iran's Constitutional Law System", The Quarterly Journal of Public Law Research, 24(77), (2023), 79-108.


Doi: 10.22054/QJPL.2022.60529.2615

بازخوانی جایگاه ریاست قوه مقننه در نظام حقوق اساسی ایران

دانشیار گروه عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران
 (پردیس فارابی)، قم، ایران

سید احمد حبیب‌نژاد  ID

دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران
 (پردیس فارابی)، قم، ایران

احمد تقی‌زاده*  ID

چکیده

تعیین صلاحیت‌های متعدد برای «ریاست قوه مقننه» در قوانین و مقررات مختلف و لزوم حضور وی در شوراها و مجامع مختلف، ضرورت تعیین مصداق این مقام را روشن می‌سازد. پرسش اصلی مقاله آن است که عنوان «رئیس قوه مقننه» قابل تطبیق بر چه مقامی است؟ در پاسخ به این پرسش و با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، می‌توان گفت با توجه به عبث بودن وضع این تأسیس در صورت عدم وجود مصداق بیرونی و با لحاظ صلاحیت‌های مختلفی که در قوانین مختلف برای رئیس مجلس شورای اسلامی برشمرده شده و با عنایت به اینکه این صلاحیت‌ها فراتر از اداره مجلس است و با توجه به نقش قابل توجه مجلس در فرایند قانون‌گذاری در مقایسه با نقش شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، می‌توان گفت که عنوان رئیس قوه مقننه قابل انطباق بر «رئیس مجلس شورای اسلامی» است. البته می‌توان تفاوت در این دو تعبیر را ناشی از جایگاه درون‌قوه‌ای و فراقوه‌ای رئیس قوه مقننه دانست زیرا اگر نسبت رئیس قوه مقننه با مجلس و نمایندگان آن در نظر گرفته شود، از تعبیر رئیس مجلس شورای اسلامی و اگر نسبت وی با نهادها و مقاماتی خارج از قوه مقننه سنجیده شود، از تعبیر رئیس قوه مقننه استفاده می‌شود.

واژگان کلیدی: آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه مقننه، رئیس مجلس

شورای اسلامی، شورای نگهبان، قانون‌گذار اساسی.

مقدمه

از میان دو نظام قانون‌گذاری تک‌مجلسی و دو‌مجلسی؛ نظام قانون‌گذاری ایران، نظامی تک‌مجلسی است. از این رو ممکن است بنظر برسد که در شناسایی رئیس قوه مقننه ابهامی وجود نداشته و این عنوان قابل تطبیق بر رئیس مجلس شورای اسلامی باشد اما این تصور صحیح نیست زیرا با توجه به مراجع مختلفی که در فرایند قانون‌گذاری تأثیر داشته و نقش آفرینی می‌کنند، نمی‌توان بدون احصای این مراجع و میزان اثرگذاری آنها در فرایند فوق، مسئول یکی از آنها را بعنوان رئیس قوه مقننه تعیین نمود.

حال ممکن است با فرض پذیرش گزاره فوق، این پرسش مطرح شود که اساساً تعیین رئیس قوه مقننه چه اهمیتی داشته و به چه دلیل لازم است تا شخصی را بعنوان رئیس این قوه تعیین نمود؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت تعیین رئیس قوه مقننه از جهات متعددی دارای اهمیت است که برخی از آنها عبارتند از:

الف- لزوم شرکت وی در کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های بین‌المللی: برای توضیح می‌توان گفت علی‌رغم تصریح قانون اساسنامه گروه پارلمانی جمهوری اسلامی ایران عضو اتحادیه بین‌المجالس مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۲۰ به شرکت رئیس قوه مقننه در نشست‌های مربوط به این اتحادیه،^۱ قطعاً شرکت رئیس قوه مقننه در نشست‌های مربوط به این اتحادیه خصوصاً حضور در کنفرانس رؤسای پارلمان‌های دنیا^۲ که یکی از کنفرانس‌های تابعه اتحادیه فوق است، گام مؤثری در هم‌افزایی دیپلماسی پارلمانی، انتقال تجربیات، تبیین

1. Inter-parliamentary Union.

برای آشنایی با این اتحادیه، ر. ک: سعید فردی‌پور، [ب]. گزارش پژوهشی سازمان‌های بین‌المجالس منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و جهانی (۱)؛ اتحادیه بین‌المجالس، کنفرانس رؤسای پارلمان‌های دنیا، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۴)، شماره مسلسل: ۱۴۳۶۶.

2. World Conference of Speakers of Parliament.

گفتنی است تاکنون چهار کنفرانس در این رابطه به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ برگزار شده است. ر. ک: سعید فردی‌پور، [الف]. گزارش پژوهشی دیپلماسی پارلمانی (۷)؛ چهارمین کنفرانس رؤسای پارلمان‌های دنیا، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۴) شماره مسلسل: ۱۴۴۴۰، صص ۵-۷. علاوه بر این، پنجمین کنفرانس در تاریخ ۱۹ تا ۲۱ آگوست ۲۰۲۰ (۲۹ تا ۳۱ مرداد ۱۳۹۹) در وین اتریش برگزار شد. برای اطلاع از محتوای کنفرانس پنجم، ر. ک:

<https://www.ipu.org/event/fifth-world-conference-speakers-parliament-preceded-fourth-and-final-meeting-preparatory-committee> (تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۰۴/۱۹)

دیدگاه‌ها در موضوعات مختلف و چاره‌اندیشی برای مسائل گوناگون خواهد بود. همچنین می‌توان شرکت وی در نشست‌های دیگری همچون نشست رؤسای پارلمان‌های کشورهای اوراسیا^۱، اتحادیه پارلمانی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی^۲ و مجمع پارلمانی آسیایی^۳ را در راستای تحقق اهداف فوق، ارزیابی نمود.

ب- با توجه به اینکه شرکت رئیس قوه مقننه در برخی مجامع و شوراها عالی همانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی امنیت ملی (اصل ۱۷۶ قانون اساسی)، شورای بازنگری قانون اساسی (اصل ۱۷۷ قانون اساسی) ضروری شمرده شده است، تعیین رئیس قوه مقننه اهمیت فراوانی خواهد داشت.

پ- تصریح برخی قوانین و مقررات به عناوینی همچون «رئیس قوه مقننه»، «رؤسای قوای سه‌گانه» و تعبیراتی از این دست که مورد اشاره قرار می‌گیرد، دلیل دیگری است که ضرورت تعیین رئیس قوه مقننه را بخوبی تبیین می‌کند. در این زمینه می‌توان گفت روشن است که اگر مفهوم رئیس قوه مقننه فاقد مصداق باشد، علاوه بر اینکه درج عناوین فوق در این قوانین لغو و بی‌معنا خواهد بود، اجرای این قوانین نیز غیرممکن می‌شود.

بر این اساس آنچه در این مقاله بدان پرداخته می‌شود شناسایی مصداق عنوان «رئیس قوه مقننه» در نظام حقوقی ایران است. با توجه به این نکته، دو پرسش مهم را می‌توان طرح نمود. نخست اینکه عنوان فوق قابل تطبیق بر کدام یک از اشخاصی است که در فرایند قانون‌گذاری تأثیرگذار هستند؟ دوم اینکه با فرض انطباق عنوان فوق بر رئیس مجلس شورای اسلامی، دلیل استفاده از دو عنوان در مورد یک مصداق چیست؟ برای پاسخ به دو سؤال مذکور، تلاش می‌شود با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، علاوه بر تبیین نگاه قانون‌گذار اساسی و عادی به این موضوع، دلایل و ادعاهای موجود نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند.

1. Meeting of Speakers of Eurasian Countries Parliaments.

2. Parliamentary Union of the OIC Member States.

برای آشنایی با این اتحادیه، ر. ک: سید حسین حسینی، گزارش پژوهشی دیپلماسی پارلمانی (۱۲)؛ اتحادیه مجالس کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، پارلمان عرب و مجمع پارلمانی ناتو، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۵)، شماره مسلسل: ۱۴۸۸۹، صص ۲-۷.

3. Asian Parliamentary Assembly.

در مقام بررسی پیشینه تحقیق می‌توان گفت متأسفانه در این زمینه اثری که بصورت خاص به موضوع این تحقیق ارتباط پیدا نماید، یافت نشد بلکه در برخی از آثار بصورت فرعی و در تقابل با دیدگاهی که در این مقاله انتخاب شده، مطالبی ارائه شده است که به فراخور بحث، مورد بررسی قرار گرفته و ایرادات مربوط به آنها تبیین شده است.^۱ بعلاوه در این آثار، صرفاً صلاحیت‌های مربوط به رئیس مجلس شورای اسلامی در ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند و حال اینکه آنچه نگارندگان این مقاله به دنبال آن هستند، شناسایی مصداق رئیس قوه مقننه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است. در راستای تبیین و تحلیل موضوع این مقاله، مطالب در سه قسمت عمده سامان یافته است که در قسمت نخست، احتمالات مختلفی که در مورد مصداق «رئیس قوه مقننه» وجود دارد از جمله دبیر شورای نگهبان و رئیس مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است؛ در قسمت دوم، رویکرد قانون‌گذار اساسی نسبت به رئیس قوه مقننه تبیین شده است و در قسمت سوم به دو شأن مختلف رئیس قوه مقننه یعنی اداره مجلس شورای اسلامی و تعامل با دو قوه دیگر پرداخته شده است.

۱. بررسی احتمالات مختلف در مورد مصداق ریاست قوه مقننه در نظام حقوقی ایران

با توجه به اینکه دو نهاد مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در تبدیل یک مصوبه به قانون، نقش آفرینی می‌کنند؛ احتمال اینکه بتوان هر یک از مسئولین این نهادها را بعنوان رئیس قوه مقننه محسوب کرد دور از ذهن نیست.^۲ این احتمالات در ادامه بررسی می‌شوند:

۱. از جمله این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مقاله «تحلیل تطبیقی صلاحیت‌های درون‌قوه‌ای رئیس مجلس در نظام حقوقی ایران، بریتانیا و فرانسه» که توسط محمد جلالی و محمد مهاجری به رشته نگارش درآمده است؛ گزارش پژوهشی «وظایف و اختیارات رئیس مجلس شورای اسلامی در مجموعه قوانین و مقررات کشور» که از سوی مسیح بهنیا تهیه شده است و گزارش پژوهشی با عنوان «جایگاه مجلس شورای اسلامی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با نگاه تطبیقی به نظام حقوقی آمریکا و انگلیس» اشاره کرد که به همت میثم درویش متولی تهیه شده است.

۲. ممکن است به دلیل نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام در حل اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان مطابق اصل ۱۱۲ قانون اساسی و نیز با توجه به صلاحیت مجلس خبرگان رهبری در تغییر و تجدیدنظر در قانون مربوط به

۱-۱. تعیین دبیر شورای نگهبان بعنوان رئیس قوه مقننه

یک احتمال می‌تواند این‌گونه مطرح شود که با توجه به نقش غیر قابل انکار شورای نگهبان در تبدیل مصوبات مجلس شورای اسلامی به قانون (مستند به اصول ۹۱، ۹۳ و ۹۴ قانون اساسی)، این احتمال وجود دارد که دبیر شورای نگهبان بعنوان رکن مؤثر این شورا، مصداق رئیس قوه مقننه باشد.

با این همه به نظر می‌رسد نتوان دبیر این شورا را معادل با رئیس قوه مقننه دانست؛ زیرا اولاً در هیچ یک از مواد آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان مصوب ۱۳۷۹/۰۴/۲۲ تصریح و یا حتی اشاره‌ای به انطباق عنوان رئیس قوه مقننه بر دبیر این شورا نشده است. به تعبیر دیگر هرچند در این آیین‌نامه به صلاحیت‌هایی همچون تشکیل و اداره جلسات (ماده ۳۴)، تصمیم به تشکیل جلسات فوق‌العاده (ماده ۱۲)، ابلاغ مصوبات و تصمیمات (ماده ۳۱) و ... برای دبیر شورای نگهبان تصریح شده است اما ارتباطی میان این سمت با قوه مقننه و مقام ریاست آن برقرار نگردیده است. ثانیاً چگونگی می‌توان مقامی غیر انتخابی را بعنوان رئیس قوه مقننه در نظر گرفت و حال اینکه قوه مقننه از نمایندگان منتخب ملت تشکیل شده است. ثالثاً مجلس شورای اسلامی و نه شورای نگهبان، نقش اصلی را در فرایند قانون‌گذاری ایفا می‌نماید و از این‌رو دلیلی برای محسوب نمودن دبیر شورای نگهبان بعنوان رئیس قوه مقننه وجود ندارد. برای توضیح می‌توان گفت در فرایند قانون‌گذاری، بیشترین زمانی که صرف تهیه و وضع قانون می‌شود، در مجلس و نه در شورا است زیرا تهیه طرح و پیشنهاد آن، بررسی محتوای طرح در کمیسیون تخصصی مربوطه و سپس در صحن علنی، فرایندی وقت‌گیر و زمان‌بر است که تمامی آن در مجلس طی می‌شود.

این در حالی است که متن اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی دلالت بر این نکته دارد که شورای نگهبان صرفاً مدت زمانی معادل ده و یا حداکثر بیست روز را به بررسی مصوبات مجلس اختصاص می‌دهد و چه بسا در برخی موارد، اساساً نظر مثبت یا منفی خود را نسبت به مصوبات مجلس اعلام ننموده و بدین لحاظ با گذشت مدت زمانی که در اصول

تعداد و شرایط خبرگان و کیفیت انتخاب آنها موضوع اصل ۱۰۸ قانون اساسی، این احتمال مطرح شود که عنوان رئیس قوه مقننه، قابل تطبیق بر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس مجلس خبرگان رهبری است؛ اما هر دو گزینه فوق از احتمالات مد نظر نویسندگان این مقاله خارج بوده و قابلیت طرح به این عنوان را ندارند.

۹۴ و ۹۵ قانون اساسی مقرر شده، مصوبات مذکور تبدیل به قانون شوند. از جمله این قوانین می‌توان به قانون دائمی شدن قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۹۷/۱۲/۲۶ مجلس شورای اسلامی، قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه، مصوب ۱۳۹۶/۰۵/۲۲ مجلس شورای اسلامی و قانون اجازه مشارکت جمهوری اسلامی ایران در افزایش سرمایه، دور پنجم بانک توسعه اسلامی مصوب ۱۳۹۴/۰۵/۰۷ مجلس شورای اسلامی اشاره کرد.^۱ با این وصف روشن است که نمی‌توان دبیر شورای نگهبان را معادل رئیس قوه مقننه محسوب نمود.

از سوی دیگر ممکن است چنین ادعا شود که با توجه به نظر تفسیری شورای نگهبان، دبیر این شورا و نه رئیس مجلس شورای اسلامی معادل رئیس قوه مقننه است. توضیح اینکه شورای نگهبان در نظر تفسیری خود به شماره ۳۳۴۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۰۷ در مورد حق تحقیق و تفحص مجلس چنین مقرر داشت: «اصل ۷۶ قانون اساسی شامل مواردی از قبیل مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و شورای نگهبان که مافوق مجلس شورای اسلامی می‌باشند، نمی‌شود».^۲ با توجه به اینکه شورای نگهبان در این نظر به مافوق بودن شورای نگهبان که یکی از دو جزء قوه مقننه است بر جزء دیگر آن یعنی مجلس شورای اسلامی تصریح کرده است، این احتمال وجود دارد که تصور شود دبیر این شورا و نه رئیس مجلس شورای اسلامی، معادل با رئیس قوه مقننه است اما چنین احتمالی صحیح نیست زیرا مافوق بودن شورای نگهبان نسبت به مجلس شورای اسلامی در معنای لزوم نظارت شرعی و قانون اساسی این شورا بر مصوبات مجلس -البته اگر بتوان این موضوع را به معنای مافوق بودن ساختار شورا بر مجلس در نظر گرفت-، نمی‌تواند به معنای معادل بودن دبیر این شورا نسبت به رئیس قوه مقننه تفسیر شود.

نکته قابل توجه در خصوص شورای نگهبان این است که سخن از معادل بودن یا نبودن دبیر این شورا با رئیس قوه مقننه، وقتی صحیح است که شورای نگهبان بعنوان جزئی از قوه مقننه پذیرفته شده باشد اما اگر ارتباط میان شورای نگهبان و قوه مقننه انکار

۱. برای مشاهده قوانین دیگر، ر. ک:

(تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۰۴/۱۹) <https://b2n.ir/a32250>

۲. محمد فتحی و کاظم کوهی اصفهانی، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری، مشورتی و ... شورای نگهبان (۱۳۹۶ - ۱۳۵۹)* (تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶) ص ۲۶۳.

شود، جایی برای طرح احتمال فوق وجود نخواهد داشت. در این زمینه گفتنی است برخی عقیده دارند با توجه به جای گذاری شورای نگهبان در ذیل مبحث دوم از فصل ششم قانون اساسی یعنی مبحث «اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی»، روشن می شود که جانمایی مذکور به درستی انجام نشده است و علاوه بر این، اصل ۵۸ قانون اساسی که اعمال قوه مقننه را از طریق مجلس شورای اسلامی می داند، دلالت بر این نکته دارد که شورای نگهبان را نمی توان بخشی از قوه مقننه محسوب نمود^۱ اما این ادعا و دلایل آن صحیح به نظر نمی رسد زیرا همین واقعیت که تا زمان بررسی شورای نگهبان نسبت به مصوبات مجلس و تشخیص عدم مغایرت آنها با شرع و قانون اساسی، صدق عنوان قانون بر مصوبات مجلس، صحیح نبوده و از این رو لازم الاجرا نیستند؛ دلالت بر این موضوع دارد که شورای نگهبان بعنوان جزئی از قوه مقننه محسوب می شود ولو اینکه مکان قرار گرفتن اصول مربوط به شورای نگهبان در قانون اساسی صحیح نباشد.^۲

۲-۱. تعیین رئیس مجلس شورای اسلامی بعنوان رئیس قوه مقننه

می توان دلایل زیر را برای اثبات تبلور مفهوم رئیس قوه مقننه در رئیس مجلس شورای اسلامی ارائه داد:

الف- نقش مجلس شورای اسلامی در امر قانون گذاری و تبدیل لوایح یا طرح ها به قانون، قابل مقایسه با نقش شورای نگهبان نیست؛ زیرا علاوه بر اینکه طرح های ارائه شده به مجلس توسط نمایندگان تهیه می شود، از لحاظ زمانی بیشترین مدت زمانی که در فرایند قانون گذاری سپری می شود، مربوط به مجلس شورای اسلامی است.

ب- رئیس مجلس شورای اسلامی در قیاس با دبیر شورای نگهبان، مقامی انتخابی بوده و از این رو با توجه به لزوم انتخابی بودن اعضای قوه مقننه که رئیس این قوه نیز یکی از آنها

۱. میثم درویش متولی، گزارش پژوهشی جایگاه مجلس شورای اسلامی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با نگاه تطبیقی به نظام حقوقی آمریکا و انگلیس، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، (۱۳۹۲)، شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۹۳، صص ۲۱-۲۲.

۲. برای مشاهده دلایل مربوط به استقلال و عدم استقلال شورای نگهبان از قوه مقننه و چرایی برتری دیدگاه دوم، ر. ک: ابراهیم موسی زاده، جستارهایی در حقوق عمومی (تهران: خرسندی، ۱۳۹۳) صص ۴۱۹-۴۳۰. برخی نویسندگان نیز عقیده دارند: «این شورا را می توان در بیشترین ارتباط با قوه مقننه دانست؛ بدون آنکه سایر وظایف آن نادیده گرفته شود». سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: میزان، ۱۳۸۵) ج ۲، ص ۲۲۲.

به شمار می‌رود، روشن می‌شود که انطباق عنوان رئیس قوه مقننه بر رئیس مجلس شورای اسلامی، منطقی و طبیعی است.

پ- در قوانین مختلف، صلاحیت‌های مختلفی بر عهده رئیس مجلس شورای اسلامی گذاشته شده است که این صلاحیت‌ها اثبات‌کننده شأنی فراتر از ریاست مجلس برای وی است. به تعبیر دیگر اگر صرفاً صلاحیت اداره جلسات مجلس بر عهده وی نهاده شده بود، قطعاً شأن وی در حد ریاست مجلس خلاصه می‌شد اما با توجه به صلاحیت‌های متعدد وی نمی‌توان از عدم تطبیق عنوان ریاست قوه مقننه بر وی سخن گفت.

برخی از محققان نیز با توجه به این صلاحیت‌ها عقیده دارند رئیس مجلس شورای اسلامی از صلاحیت‌های تام و کاملی در خصوص مدیریت نهاد پارلمان برخوردار می‌باشد که این امر در دیگر نظام‌های حقوقی وجود ندارد و به همین دلیل وی در جایگاهی فراتر از یک رئیس مجلس است.^۱

ت- در برخی تعبیرات در قانون اساسی، به گونه‌ای از مجلس شورای اسلامی سخن گفته شده است که گویا معادل با قوه مقننه است. از جمله می‌توان به اصل ۵۸ قانون اساسی اشاره کرد که مقرر داشته است: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است.» با این توصیف این سؤال را می‌توان مطرح نمود که چگونه ممکن است اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی باشد اما عنوان رئیس قوه مقننه قابل انطباق بر رئیس مجلس شورای اسلامی نباشد؟ به تعبیر دیگر هنگامی که اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی باشد، بصورت طبیعی و منطقی، رئیس قوه مقننه نیز معادل با رئیس

۱. محمد جلالی و محمد مهاجری، «تحلیل تطبیقی صلاحیت‌های درون‌قوه‌ای رئیس مجلس در نظام حقوقی ایران، بریتانیا و فرانسه»، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲، (۱۳۹۴)، صص ۴۶۹-۴۹۰. با این همه، نویسندگان فوق در ادامه چنین بیان کرده‌اند: «به نظر می‌رسد جایگاه حقیقی رئیس مجلس، اداره کردن جلسات مجلس است و نمی‌توان جایگاه این مقام را به ریاست بر پارلمان و ریاست بر قوه مقننه ارتقا داد. مؤید آن، نبود مقامی به عنوان ریاست قوه مقننه در پارلمان، نبود رئیس قوه مقننه در نظام‌های حقوقی دو مجلسی و تعیین نشدن یکی از رؤسای مجلسین به عنوان رئیس قوه مقننه است.» (جلالی و مهاجری، همان، ص ۴۸۵). این در حالی است که به نظر می‌رسد سخن مذکور قابل پذیرش نباشد؛ زیرا فقدان چنین سمتی در نظام‌های دو مجلسی، نمی‌تواند به عنوان دلیلی بر لزوم عدم وجود رئیس قوه مقننه در نظام‌های تک‌مجلسی محسوب شود. علاوه بر این همان‌گونه که گفته شد، متن برخی از اصول قانون اساسی همانند اصل ۱۷۶ و ۱۷۷ قانون اساسی اقتضا دارد تا شخصی به عنوان رئیس قوه مقننه تعیین شود.

مجلس شورای اسلامی است. علاوه بر این می‌توان به بند ۳ ماده ۱ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص نحوه اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی در بخش نظارت مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۱۱ اشاره نمود که در جهت بیان یکی از ارکان شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما چنین مقرر داشته است: «دو نفر به نمایندگی از طرف قوه مقننه به انتخاب و معرفی مجلس شورای اسلامی». بدیهی است در صورتی که قوه مقننه معادل با مجلس شورای اسلامی نباشد دلیلی ندارد معرفی یکی از سه رکن شورای نظارت بر سازمان فوق، به مجلس شورای اسلامی سپرده شود. حال که چنین است می‌توان گفت رئیس مجلس شورای اسلامی نیز معادل با رئیس قوه مقننه است.

ث- همچنین می‌توان به برخی از نظرات شورای نگهبان نیز در این رابطه استناد نمود. بعنوان نمونه شورای نگهبان در جزء ج از بند ۴ نظر شماره ۸۲/۳۰/۲۹۴۴ مورخ ۱۳۸۲/۰۲/۱۷ خود در خصوص لایحه اصلاح مواد فصل دوم قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۰۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی با عنوان «مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی» مصوب ۱۳۸۲/۰۱/۱۹ مجلس شورای اسلامی چنین مقرر داشته بود: «الزام دادگاه به پذیرفتن حضور حقوقدانان شش‌گانه در دادگاه مذکور، مستلزم دخالت قوه مقننه و مجریه در قوه قضائیه و تجاوز از حدود و اختیاراتشان در قانون اساسی و مُخل استقلال قوه قضائیه است؛ لذا از این جهت، مغایر اصول ۵۷ و ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد»^۱ (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۱: ۶۳۸). مجلس شورای اسلامی در تبصره ۱ ماده ۲ لایحه فوق که مورد ایراد شورای نگهبان واقع شده بود، چنین مقرر کرده بود: «رسیدگی به درخواست رئیس جمهور [مبنی بر مغایرت رأی قضایی با قانون اساسی]، توسط قضات شعبه مزبور [شعبه خاصی در دیوان عالی کشور]، انجام و نظر اکثریت، ملاک عمل خواهد بود. هنگام رسیدگی، هیأتی مرکب از سه حقوقدان به انتخاب مجلس شورای اسلامی و سه حقوقدان به انتخاب هیأت وزیران، در جلسه حضور خواهند داشت و نظرات و توضیحات خود را به شعبه ارائه خواهند نمود». با توجه به مطالب بالا روشن می‌شود که شورای

۱. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره ششم) (تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۱) ص ۶۳۸.

نگهبان، مجلس شورای اسلامی را معادل قوه مقننه دانسته است و از این رو بدیهی است که رئیس مجلس نیز معادل رئیس قوه مقننه است.

بعنوان مصادیق دیگری از نظرات شورای نگهبان در این زمینه، می‌توان به بند ۲ نظر شماره ۷۷/۲۱/۴۲۱۳ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور مصوب ۱۳۷۷/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی،^۱ بند ۱ نظر شماره ۷۷/۲۱/۲۸۵۴ مورخ ۱۳۷۷/۰۳/۱۰ شورای نگهبان در خصوص طرح تشکیل شورای عالی اشتغال مصوب ۱۳۷۷/۰۲/۲۷ مجلس شورای اسلامی،^۲ بند ۱ نظر شماره ۸۵۷۷ مورخ ۱۳۶۶/۰۴/۱۵ شورای نگهبان در خصوص طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۰۳/۲۴ مجلس شورای اسلامی^۳ و بند ۴ نظر شماره ۴۵۹۴ مورخ ۱۳۶۱/۰۳/۰۴ شورای نگهبان در خصوص اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۰۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی^۴ اشاره کرد که در تمامی آنها، مجلس شورای اسلامی، معادل با قوه مقننه گرفته شده است و با توجه به این نظرات، می‌توان رئیس مجلس شورای اسلامی را نیز، معادل رئیس قوه مقننه در نظر گرفت.

۲. رویکرد قانون‌گذار اساسی نسبت به رئیس قوه مقننه

بعنوان مقدمه‌ای بر این بحث، می‌توان گفت نه در قانون اساسی مشروطه و نه در متمم آن و نه حتی در نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، مطلبی در خصوص رئیس قوه مقننه گفته نشده است که البته این موضوع طبیعی است زیرا وقتی دو مجلس شورای ملی و سنا در این قانون مشروطه و متمم آن شناسایی شده است، نمی‌توان یکی از این دو مجلس را بر دیگری برتری داده و ریاست آن را بعنوان رئیس قوه مقننه معرفی نمود.

۱. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره پنجم) (تهران: دادگستر، ۱۳۸۵) ص ۳۲۰.

۲. همان، صص ۷۲۳-۷۲۴.

۳. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره دوم) (تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۹) ص ۶۷۸.

۴. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره اول) (تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰) ص ۲۶۳.

در پیش‌نویس قانون اساسی که از سوی دولت موقت تهیه شده بود نیز اشاره‌ای به رئیس قوه مقننه نشده بود. به تعبیر دیگر هرچند در اصل ۱۶ این پیش‌نویس به وجود قوای سه‌گانه و استقلال آنها از یکدیگر اشاره شده بود و در اصل ۱۷ نیز به این موضوع که «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای ملی است»، تصریح شده بود اما مشخص نشده بود که رئیس این قوه قابل انطباق بر چه شخصی است.

اما در مذاکرات صورت گرفته میان نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، صرفاً یکی از نمایندگان از عباراتی همانند «رؤسای قوای سه‌گانه» و «مسئولان مهم قوای سه‌گانه» استفاده نموده است^۱ اما حتی وی نیز مشخص نساخته است که منظور از رئیس قوه مقننه چه شخصی است. علاوه بر این، متأسفانه حتی در هنگام بحث و بررسی پیرامون شورایی که موظف است در غیاب رئیس جمهور، مقدمات برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را فراهم نماید (موضوع اصل ۹۷ پیش‌نویس یا اصل ۱۳۱ قانون اساسی فعلی)، هیچ اشاره‌ای به انطباق عنوان «رئیس مجلس شورای ملی» بر رئیس قوه مقننه با توجه به ترکیب سه‌گانه این شورا نشده و این اصل با بحثی مختصر به تصویب می‌رسد.^۲ اما در مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، بارها از عباراتی همچون «رؤسای سه قوه»^۳ یا «رؤسای قوای سه‌گانه»^۴ استفاده شده است؛ ولی با این حال در هیچ یک مشخص نشده است که مصداق رئیس قوه مقننه چه کسی است؟ علاوه بر این در مشروح مذاکرات فوق در موارد مختلفی بعنوان «رئیس قوه مقننه» اشاره شده است. از جمله عباسعلی عمید زنجانی در مقام نقد پیشنهاد کمیسیون شماره ۴ مبنی بر تعیین رئیس

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلسه ۱ تا ۳۱) (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴) ج ۱، ص ۹۳.

۲. همان، ج ۲، صص ۱۲۵۹-۱۲۶۰.

۳. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلسه ۱ تا ۱۴) ج ۱ (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی و اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰)، صص ۲۱۶، ۲۲۹ و ۲۴۵.

۴. همان، ص ۲۸۷ و اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلسه ۲۹ تا ۴۱) ج ۳ (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی و اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰)، صص ۱۴۹۲ و ۱۶۷۹.

سازمان صدا و سیما توسط رؤسای سه قوه چنین گفته است: «... به چه دلیلی رأی رئیس قوه مقننه، رأی قوه مقننه است؟ به چه ملاکی [این طور است؟] درست است [که] با توجه به تمرکز در مدیریت قوه مجریه؛ نظر رئیس جمهور، نظر قوه مجریه است [و] با تمرکز در قوه قضائیه، نظر رئیس قوه قضائیه، نظر قوه قضائیه است؛ اما [نظر] رئیس قوه مقننه به هیچ وجه و به هیچ ملاکی و دلیلی نظر قوه مقننه حساب نمی‌شود؛ نظر قوه مقننه عبارت از آن نظری است که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده باشد. عنایت بفرمایید؛ چون در قوه مقننه تمرکزی وجود ندارد، اصل و ماهیت قوه مقننه، شورایی است [که] با تصویب اکثریت است؛ بر خلاف دو قوه دیگر؛ لذا رئیس سه قوه از این نظر متفاوت هستند. رئیس قوه مجریه و قضائیه درست است به صورت شخص واحد است، اما در قوه مقننه چون ماهیتاً نظام، شورایی است، [یعنی] شورایی به معنای نمایندگان و نظر نمایندگان [است]، لذا آوردن رئیس قوه مقننه در ردیف رؤسای قوای مجریه و قضائیه، نادرست به نظر می‌رسد و به همین دلیل در اینجا باید «تصویب مجلس» جایگزین «نظر رئیس قوه مقننه» باشد.^۱

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هرچند از نگاه آقای عمید زنجانی، نظر رئیس قوه مقننه معادل نظر قوه مقننه نیست اما عنوان «رئیس قوه مقننه» منطبق بر عنوان «رئیس مجلس» است. این در حالی است که ایشان در جایی دیگر، حضور رئیس مجلس شورا در شورای بازنگری را در حد حضور رؤسای دو قوه دیگر ندانسته اما در عین حال صدق عنوان رئیس قوه مقننه بر رئیس مجلس را زیر سؤال نبرده است. ایشان چنین بیان کرده است: «در مورد حضور رئیس مجلس در شورای بازنگری باید گفت هرچند که در قانون اساسی، عنوان ریاست قوه بر رئیس مجلس اطلاق شده، لکن در حد حضور رؤسای دو قوه دیگر، قابل ارزیابی نیست و چنانکه می‌دانیم رئیس مجلس صرفاً مسئول اداره جلسات مجلس است و تنها اختیاری که افزون بر سایر نمایندگان دارد، ذیل اصل ۱۳۸ است. با وجود این، رئیس مجلس مناسب‌ترین نماینده مجلس برای انتقال دانش و تجربه قوه مقننه

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلسه ۱۵ تا ۲۸)، ج ۲ (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی و اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰) ص ۵۵۲.

به شورای بازنگری محسوب می‌شود»^۱. با این حال می‌توان گفت محدود نمودن صلاحیت‌های رئیس مجلس به اداره جلسات این نهاد صحیح نیست؛ زیرا طبق قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و سایر قوانین، وظایف مختلفی بر عهده رئیس مجلس گذارده شده است.

با توجه به اینکه موضوع انطباق عنوان رئیس قوه مقننه بر رئیس مجلس از سوی سایر اعضای شورای بازنگری^۲ مورد مخالفت قرار نمی‌گیرد، روشن می‌شود که ایشان نیز با این موضوع موافق هستند. برخی دیگر از اعضا نیز در پیشنهادی همانند پیشنهاد آقای عمید زنجانی، چنین بیان کرده‌اند: «بنده اینجا نظرم این است که رئیس مجلس شورای اسلامی گفته نشود، بلکه خود مجلس شورای اسلامی [گفته شود]. علتش هم این است که وضع مجلس با وضع آن قوا و همچنین رئیس مجلس با رؤسای آن دو قوه، یک تفاوت ماهوی و اساسی دارد و آن این است که در مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس، رئیس اداره مجلس است؛ هیچ دخالتی در آراء آن نمایندگان، در عزل و نصب نماینده، در اعتبارنامه نماینده در اینکه نماینده آنجا چه رأی بدهد، چه اظهار نظری بکند، هیچ دخالتی ندارد؛ یعنی زمام امور مجلس و قانون‌گذاری، دست رئیس مجلس نیست. [او] فقط رئیس اداره جلسه است؛ از نظر خارج از مجلس او را می‌شناسند؛ مصوبات را او باید ابلاغ بکند و این طور چیزها؛ اما رئیس قوه مجریه در حقیقت زمام امور اجرایی کشور در دست اوست. ... رئیس قوه قضائیه را با این چیزی که ما تصویب کردیم در اینجا، تمام عزل و نصب‌های قضات بر عهده اوست؛ تشکیلات قوه قضائیه را او باید ایجاد بکند. خلاصه زمام آن قوه در دست آن رئیس است. آن دو تا رئیس، واقعاً رئیس‌اند؛ یعنی رئیس جمهور واقعاً رئیس قوه مجریه است؛ رئیس قوه قضائیه هم واقعاً رئیس قوه قضائیه است؛ اما اینجا رئیس مجلس را رئیس قوه مقننه نمی‌شود در واقع گفت. [او] رئیس این مجلس است که آن را اداره بکند و همچنین مصوبات را امضاء کند، برای شورای نگهبان بفرستد، برای رئیس جمهور بفرستد و آن وظایفی که دارد [انجام بدهد]»^۳.

۱. عباسعلی عمید زنجانی، کلیات حقوق اساسی ایران (تهران: مجد، ۱۳۸۷) ص ۳۴۸.

۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، ص ۵۶۶.

۳. همان، صص ۷۶۸-۷۶۹.

هرچند ایشان در ذیل عبارت فوق بیان می‌کند که در واقع نمی‌توان به رئیس مجلس، رئیس قوه مقننه گفت اما در ابتدای عبارت فوق، رئیس مجلس را معادل با رؤسای دو قوه دیگر دانسته و پس از آن، تفاوت‌های میان وی با آنها را مورد اشاره قرار می‌دهد. علاوه بر این، سخنان وی در جهت نفی برابری نظر رئیس قوه مقننه با نظر رئیس دو قوه دیگر در زمینه تعیین رئیس سازمان صدا و سیما بیان شده است نه در جهت نفی انطباق عنوان رئیس قوه مقننه بر رئیس مجلس. از این رو می‌توان گفت وی نیز رئیس مجلس را معادل با رئیس قوه مقننه دانسته است.

علاوه بر موارد فوق، برخی دیگر از اعضای شورای بازنگری نیز در جریان بحث و بررسی پیرامون اصول مختلف قانون اساسی از عنوان «رئیس قوه مقننه» یاد می‌کنند اما مشخص نمی‌کنند که این عنوان بر چه مصداقی قابل تطبیق است.^۱

۳. شئون مختلف رئیس قوه مقننه

۳-۱. شئون رئیس قوه مقننه در رابطه با مجلس شورای اسلامی

در این زمینه گفتنی است هرگاه سخن از رابطه میان رئیس مجلس شورای اسلامی با نمایندگان این مجلس و یا در رابطه با کارویژه‌هایی که در ارتباط با این مجلس ایفا می‌کند به میان می‌آید، از عبارت رئیس مجلس شورای اسلامی یا بصورت مختصر از عبارت رئیس مجلس استفاده می‌شود. در قانون اساسی نمی‌توان نمونه‌ای از این دو گونه ارتباط را به دست داد، اما بهترین نمونه برای تبیین ارتباطات، قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی است که به تبیین نحوه فعالیت مجلس، چگونگی انتخاب رئیس، هیئت رئیسه و ... در مواد مختلفی از جمله ۶، ۲۰، تبصره ۲ ماده ۳۸، ۶۳، ۶۹، تبصره ماده

۱. بعنوان نمونه، ر. ک: صحبت‌های آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در جریان اصلاح اصل ۱۷۵ قانون اساسی در: همان، ص ۵۷۲. همچنین ر. ک: صحبت‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در جریان گفتگو پیرامون ترکیب شورای بازنگری موضوع اصل ۱۷۷ قانون اساسی در: همان، ص ۶۰۴. همچنین ر. ک: اظهارات آیت‌الله جنتی در جریان تصویب بند ۷ اصل ۱۱۰ قانون اساسی در: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلسه ۲۹ تا ۴۱)، ج ۳ (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی و اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰) ص ۱۳۶۵. همچنین ر. ک: صحبت‌های آیت‌الله یزدی در جریان بحث و بررسی پیرامون ترکیب شورای عالی امنیت ملی موضوع اصل ۱۷۶ قانون اساسی در: همان، ص ۱۴۸۶.

۸۲، ۹۱، ۹۲، ۱۰۷، ۱۴۱، تبصره ماده ۱۷۷، ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۲ و ۲۳۶ پرداخته است.

برخی با بیان مواردی از صلاحیت‌های رئیس مجلس در قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، مدعی شده‌اند هرچند تمامی مستندات و مصادیق قانونی فوق بیانگر جایگاه متمایز وی از حیث اداره جلسات مجلس و برقراری نظم در صحن مجلس است اما نمی‌توان قائل به تفوق و برتری مطلق و حقیقی جایگاه وی نسبت به سایر نمایندگان مجلس شد؛ زیرا این برتری از سوی نمایندگان مجلس به یکی دیگر از نمایندگان (رئیس مجلس) به منظور مدیریت جلسات داده شده است.^۱ برخی دیگر نیز ضمن اینکه اختیارات رئیس مجلس را عمدتاً ناظر بر اداره جلسات و انجام برخی امور اداری دانسته‌اند، عقیده دارند از لحاظ ماهوی، تفاوتی میان رئیس مجلس و سایر نمایندگان وجود نداشته و از این‌رو رابطه‌ای سلسله‌مراتبی میان آنها برقرار نیست.^۲

چنین ادعاهایی صحیح نیستند؛ زیرا نگاهی به صلاحیت‌های مختلفی که برای رئیس مجلس برشمرده شده و خواهد شد، گویای تفوقی حقیقی و نه مجازی برای رئیس مجلس نسبت به نمایندگان آن است و علاوه بر این، چنین نیست که تفویض ریاست مجلس به یک شخص از سوی نمایندگان، بتواند مانع از اعمال صلاحیت‌های متعددی که در آیین‌نامه داخلی مجلس برای شخص رئیس مجلس برشمرده شده و فراتر از اداره جلسات هستند باشد.

در برخی قوانین دیگر نیز صلاحیت‌هایی برای رئیس مجلس شورای اسلامی در ارتباط با این نهاد برشمرده شده است. از جمله این قوانین قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان مصوب ۱۳۹۱/۰۱/۱۵ است که در بندهای چ و ح ماده ۶ آن، برخی از صلاحیت‌های وی مورد اشاره قرار گرفته است. علاوه بر این می‌توان به مواد ۱، ۶ و ۱۱ اساسنامه کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۰۹/۱۳، بند الف ماده ۴ قانون شرح وظایف مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مصوب

۱. درویش متولی، همان، صص ۱۲-۱۳.

۲. محمد بهادری جهرمی، ابوالفضل درویشوند، محمد جواهری، علی بهادری، سید حجت الله علم‌الهدی، سید محمد هادی راجی، گزارش پژوهشی بررسی ماهیت و حدود نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۹)، شماره مسلسل: ۱-۸۹۸۲، ص ۲۹.

۱۳۷۴/۰۹/۱۹، مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۷ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۰۹/۰۷، مواد ۲، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴ و ۲۲ قانون نظام مالی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۲/۰۹/۰۷ و ماده ۶۶ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۰۶/۰۱ (اصلاحی ۱۳۷۷/۰۱/۲۲) اشاره کرد.^۱ مجموعه صلاحیت‌های فوق نشان می‌دهد که قانون‌گذار عادی، شأنی فراتر از اداره جلسات مجلس را برای رئیس مجلس شورای اسلامی در نظر گرفته است.

۲-۳. شئون رئیس قوه مقننه در رابطه با سایر قوا

هرگاه نسبت میان رئیس مجلس شورای اسلامی با مجلس یا نمایندگان سنجیده نشده بلکه در رابطه با سایر قوا در نظر گرفته شود، از عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی استفاده نمی‌شود. در این زمینه می‌توان به دو موضوع متفاوت اشاره کرد:

۱-۲-۳. شناسایی هویتی با عنوان رئیس قوه مقننه از سوی قانون‌گذار

در جهت اثبات این موضوع می‌توان گفت در قوانین و مقررات مختلف از عبارات مختلفی استفاده شده است تا این موضوع تبیین شود که قوه مقننه نیز همانند دو قوه دیگر از شخصی بعنوان مسئول و یا رئیس برخوردار است. در این رابطه عبارات مختلفی همچون «رؤسای قوای سه‌گانه، رؤسای سه قوه، رؤسای قوا، سران سه قوه، سران قوا و رئیس هر قوه» بکار رفته است که هر یک از این عبارات گویای این نکته است که قانون‌گذار هویتی با عنوان رئیس قوه مقننه را پذیرفته است. نکته قابل توجهی که در خصوص قوانین مورد اشاره وجود دارد این است که شورای نگهبان بعنوان مرجعی که وظیفه تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی را با شرع و قانون اساسی بر عهده دارد، مخالفتی با بکار رفتن تعبیرات فوق در مصوبات این نهاد ابراز نکرده است که این امر نشان می‌دهد از نگاه این شورا، استفاده از چنین عناوینی در قوانین عادی، فاقد

۱. در برخی از منابع، وظایف و اختیارات مختلف رئیس مجلس شورای اسلامی در قوانین و مقررات، گردآوری شده است اما با توجه به تهیه مطالب در سال‌ها قبل، برخی از منابع مورد استناد، نسخ شده و شماره مواد برخی دیگر از این منابع نیز تغییر یافته است. برای اطلاع، ر. ک: مسیح بهنیا، گزارش پژوهشی وظایف و اختیارات رئیس مجلس شورای اسلامی در مجموعه قوانین و مقررات کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۵)، شماره مسلسل: ۷۷۵۶.

ایراد بوده و شورای مذکور نیز وجود شخصی بعنوان رئیس قوه مقننه را در نظام حقوقی ایران مورد پذیرش قرار داده است. عناوین شش گانه فوق به همراه مستند آنها در قوانین و مقررات در جدول زیر آورده شده است:

<ul style="list-style-type: none"> - اصول ۱۷۶ و ۱۷۷ قانون اساسی - تبصره ماده ۱ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران - ماده ۷ مصوبه ستاد هماهنگی و راهبری اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور - تبصره ۱ ماده ۱۹ آیین نامه داخلی شورای عالی فضای مجازی کشور - تبصره ۴ ماده ۳ آیین نامه ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور - بند ۲- ۶- آیین نامه نظام جامع اطلاع رسانی قوه قضائیه 	<p>رؤسای قوای سه گانه</p>
<ul style="list-style-type: none"> - ماده ۲ قانون جرم سیاسی - تبصره ۱ ماده ۴ مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام - ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری - ماده ۳۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - تبصره ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب - تبصره ۴ ماده ۱ قانون نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه های غیر ضرور و جلوگیری از تجمل گرایی - تبصره ۲ ماده ۱ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت - تبصره ۲ ماده ۱ قانون تغییر جدول حقوق و ضوابط پرداخت مستخدمین مشمول قانون استخدام کشوری و قضات 	<p>رؤسای سه قوه</p>
<ul style="list-style-type: none"> - تبصره ۱ ماده ۶ قانون مدیریت بحران کشور - تبصره ۱ ماده ۴ قانون پیشگیری از وقوع جرم 	<p>رؤسای قوا</p>

<p>- ماده ۳ قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران</p> <p>- ماده ۴ قانون پیشگیری از وقوع جرم</p> <p>- ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی</p> <p>- ماده ۳۲ قانون اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران</p>	<p>سران سه قوه</p>
<p>- تبصره ماده ۲۸ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد</p> <p>- ماده ۲۲۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>سران قوا</p>
<p>- تبصره ۳ ماده ۱ قانون نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه‌های غیر ضرور و جلوگیری از تجمل‌گرایی</p>	<p>رئیس هر قوه</p>

۲-۲-۳. شناسایی رئیس مجلس شورای اسلامی بعنوان رئیس قوه مقننه

با توجه به برخی از متون قانونی می‌توان گفت قانون‌گذار در برخی موارد، رئیس مجلس شورای اسلامی را بعنوان رئیس قوه مقننه محسوب نموده است. در این زمینه می‌توان به اصل ۱۷۷ قانون اساسی که ترکیب شورای بازنگری را مشخص نموده است اشاره کرد. در این اصل از عبارت «رؤسای قوای سه‌گانه» بهره گرفته شده است که قطعاً یکی از ایشان رئیس مجلس شورای اسلامی است؛ بعنوان دلیلی بر این مدعا می‌توان گفت در این اصل از اعضای شورای نگهبان و نیز اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام بعنوان برخی دیگر از اعضای شورای بازنگری نام برده شده است. از این رو می‌توان گفت یقیناً رئیس قوه مقننه شخصی بجز دبیر شورای نگهبان یا رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام است. با این توضیح روشن می‌شود که مراد از رئیس قوه مقننه، رئیس مجلس شورای اسلامی است.

مشابه این استدلال را می‌توان در رابطه با عبارت «رؤسای محترم سه قوه» که در احکام انتصاب اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام^۱ و در زمان‌های مختلف از جمله

۱. برای مشاهده احکام انتصاب اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، ر. ک:

(تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱) <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=341>

۱۳۶۸/۰۷/۱۲، ۱۳۷۵/۱۲/۲۷، ۱۳۹۶/۰۵/۲۳ و ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ توسط مقام معظم رهبری صادر شده است، ارائه کرد. همچنین این استدلال را می‌توان در رابطه با عبارت فوق که در احکام انتصاب اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی^۱ از سوی مقام معظم رهبری و در زمان‌های مختلف همانند ۱۳۷۵/۰۹/۱۴، ۱۳۸۶/۰۲/۱۵، ۱۳۹۰/۰۳/۱۷ و ۱۴۰۰/۰۸/۲۳ صادر شده است، مطرح نمود. برخی نیز عقیده دارند حضور رئیس مجلس شورای اسلامی در برخی از هیئت‌ها و مجامع عالی نشان می‌دهد که وی بعنوان رئیس قوه مقننه و از باب ریاست بر قوه مقننه در این هیئت‌ها و مجامع حاضر شده است نه بعنوان نماینده‌ای از جانب نمایندگان مجلس شورای اسلامی،^۲ به تعبیر دیگر روشن است که رئیس مجلس شورای اسلامی دارای دو شأن و حیثیت مختلف می‌باشد.

علاوه بر مورد فوق می‌توان به ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری که به تبیین مقامات سیاسی اختصاص یافته است، اشاره کرد. در بند الف این ماده از عبارت «رؤسای سه قوه» یاد شده است و از این رو لازم است تا مشخص شود که منظور از رئیس قوه مقننه چه مقامی است؟ در این راستا می‌توان گفت در این ماده میان رؤسای سه قوه و اعضای شورای نگهبان بخوبی تفاوت گذاشته شده و اعضای این شورا متفاوت از رؤسای سه قوه و در نتیجه رئیس قوه مقننه در نظر گرفته شده‌اند. از طرف دیگر در هیچ بند دیگری از این ماده نامی از رئیس مجلس شورای اسلامی بعنوان یکی از مقامات سیاسی به میان نیامده است که نشان می‌دهد یقیناً منظور از رئیس قوه مقننه، همان رئیس مجلس شورای اسلامی است.

(تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱) <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=4802>

(تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱) <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=37383>

(تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱) <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=50972>.

۱. برای مشاهده احکام انتصاب اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ر. ک:

(تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱) <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=4797>.

(تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱) <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=250>.

(تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱) <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=12615>.

(تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱) <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=48989>.

۲. درویش متولی، همان، ص ۱۹.

همچنین می‌توان به ماده ۵ اساسنامه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲/۰۷/۲۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی اشاره کرد که اعلام داشته است، نظرات قوه مقننه از طریق رئیس مجلس شورای اسلامی به شورای سرپرستی منتقل خواهد شد. از آنجا که در این ماده از رئیس جمهور و رئیس دیوان عالی کشور نیز در کنار رئیس مجلس شورای اسلامی یاد شده است، روشن می‌شود که رئیس مجلس شورای اسلامی معادل رئیس قوه مقننه در نظر گرفته شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به بررسی احتمالات چهارگانه در رابطه با مصداق «رئیس قوه مقننه» این نکته روشن شد که عنوان مذکور، قابل تطبیق بر «رئیس مجلس شورای اسلامی است. از سوی دیگر مشخص شد که رئیس قوه مقننه دارای دو شأن ریاست مجلس شورای اسلامی و تعامل با دو قوه دیگر است. نتیجه مهمی که می‌توان از این دو گزاره برداشت کرد، لزوم توجه مراجع قانون‌گذار و مقررات‌گذار به این دو شأن در هنگام بیان صلاحیت‌های مربوط به هر یک از آنها است. این در حالی است که متأسفانه در برخی موارد، چنین دقتی از سوی مراجع فوق لحاظ نشده و به تفاوت دو شأن فوق با یکدیگر عنایت نشده است.

از جمله مواردی که لازم بود تا قانون‌گذار به تفکیک فوق توجه می‌نمود و بجای استفاده از عنوان «رئیس مجلس شورای اسلامی» از عنوان «رئیس قوه مقننه» استفاده می‌نمود، اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی است. برای توضیح می‌توان گفت در این دو اصل به موضوع صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در بررسی تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های مصوب دولت و مصوبات کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر به منظور پی بردن به مغایرت این موارد با قوانین عادی و اعاده آنها به هیئت وزیران برای تجدید نظر اشاره شده است و حال اینکه لازم بود تا بعنوان «رئیس قوه مقننه» بجای «رئیس مجلس شورای اسلامی» اشاره می‌شد؛ زیرا این دو اصل به صلاحیتی فراقوه‌ای و نه درون‌قوه‌ای برای رئیس مجلس اشاره کرده‌اند. با این توضیح روشن می‌شود که قانون نحوه اجرای اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی نیز ایراد دارد؛

زیرا علاوه بر عنوان این قانون، در مواد مختلفی از آن نیز عبارت رئیس مجلس شورای اسلامی بکار رفته است و حال اینکه با توجه به مطالب بالا چنین کاربردی صحیح نیست. علاوه بر دو اصل فوق می‌توان به اصل ۱۳۱ قانون اساسی اشاره کرد. برای توضیح می‌توان گفت در این اصل به موضوع تشکیل شورایی برای فراهم نمودن مقدمات برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ظرف دو ماه از تاریخ فوت، عزل، استعفا، غیبت، بیماری و فقدان رئیس جمهور پرداخته شده است. اصل مذکور در جهت اشاره به اعضای این شورا؛ رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور را نام برده است. این در حالی است که با توجه به ترکیب اعضای این شورا که از هر سه قوه در آن حضور دارند، لازم بود تا بعنوان «رئیس قوه مقننه» اشاره می‌گردید و از این طریق به شأن و حیثیت فراقوه‌ای رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح می‌شد.

علاوه بر این می‌توان گفت قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۰۳/۲۵ با اصلاحات بعدی نیز ایراد دارد زیرا بعنوان نمونه در ماده ۸ آن از شورایی با عنوان شورای عالی تنقیح قوانین یاد شده است که اعضای آن را اشخاصی از هر سه قوه تشکیل می‌دهند. به تعبیر دیگر، شورای مذکور را می‌توان شورایی بین قوه‌ای دانست. با این همه، بند الف این ماده از «رئیس مجلس شورای اسلامی» بعنوان یکی از اعضای این شورا نام برده است و حال اینکه لازم بود تا از عنوان «رئیس قوه مقننه» استفاده می‌شد. مورد دیگر، تبصره ماده ۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۰۸/۰۸ می‌باشد که در تاریخ ۱۳۷۰/۰۸/۱۴ مورد اصلاح قرار گرفته است. مطابق این تبصره، در صورتی که رئیس جمهور از امضا یا ابلاغ مصوبات مجلس استنکاف نماید، روزنامه رسمی موظف است به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، ظرف ۷۲ ساعت نسبت به انتشار متن مصوبات اقدام نماید. همان‌طور که روشن است با توجه به وظیفه فوق، لازم بود تا در این تبصره از عنوان «رئیس قوه مقننه» استفاده می‌شد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Seyed Ahmad Habibnejhad  <https://orcid.org/0000-0002-9245-1145>

Ahmad Taghizadeh  <https://orcid.org/0000-0002-7541-4449>

منابع

کتاب‌ها

- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جلد‌های ۱ و ۲ و ۳ (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی و اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰).
- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴).
- عمید زنجانی، عباسعلی، کلیات حقوق اساسی ایران (تهران: مجد، ۱۳۸۷).
- فتحی، محمد، کوهی اصفهانی کاظم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری، مشورتی و ... شورای نگهبان (۱۳۹۶ - ۱۳۵۹) (تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶).
- مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره اول) (تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰).
- مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره دوم) (تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۹).
- مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره ششم) (تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۱).
- مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره پنجم) (تهران: دادگستر، ۱۳۸۵).
- موسی‌زاده، ابراهیم، جستارهایی در حقوق عمومی (تهران: خرسندی، ۱۳۹۳).
- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲ (تهران: میزان، ۱۳۸۵).

احکام

- احکام انتصاب اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، ر.ک:
<http://farsi.khamenei.ir/message-content?> (تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱)
- حکم انتصاب اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، ر.ک:
<http://farsi.khamenei.ir/message-content?> (تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱)
- قوانین فاقد اعلام نظر از سوی شورای نگهبان، سامانه جامع نظرات شورای نگهبان، ر.ک:
<https://b2n.ir/a32250> (تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱)

مقاله

- جلالی، محمد و محمد مهاجری، «تحلیل تطبیقی صلاحیت‌های درون‌قوه‌ای رئیس مجلس در نظام حقوقی ایران، بریتانیا و فرانسه»، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲، (۱۳۹۴).

پ- گزارش‌های پژوهشی

- بهادری جهرمی، محمد، درویشوند، ابوالفضل، جواهری، محمد، بهادری، علی، علم‌الهدی، سید حجت‌الله، راجی، سید محمد هادی، گزارش پژوهشی بررسی ماهیت و حدود نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۹)، شماره مسلسل: ۱-۸۹۸۲
- بهنیا، مسیح، گزارش پژوهشی وظایف و اختیارات رئیس مجلس شورای اسلامی در مجموعه قوانین و مقررات کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۵)، شماره مسلسل: ۷۷۵۶.
- حسینی، سید حسین، گزارش پژوهشی دیپلماسی پارلمانی (۱۲)؛ اتحادیه مجالس کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، پارلمان عرب و مجمع پارلمانی ناتو، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۵)، شماره مسلسل: ۱۴۸۸۹.
- درویش متولی، میثم، گزارش پژوهشی جایگاه مجلس شورای اسلامی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با نگاه تطبیقی به نظام حقوقی آمریکا و انگلیس، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، (۱۳۹۲)، شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۹۳.

- فردی پور، سعید [الف]. گزارش پژوهشی دیپلماسی پارلمانی (۷)؛ چهارمین کنفرانس رؤسای پارلمان‌های دنیا، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۴)، شماره مسلسل: ۱۴۴۴۰.
- فردی پور، سعید [ب]. گزارش پژوهشی سازمان‌های بین‌المجالس منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی (۱)؛ اتحادیه بین‌المجالس، کنفرانس رؤسای پارلمان‌های دنیا، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۴)، شماره مسلسل: ۱۴۳۶۶.

References

Books

- The General Directorate of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council, *The Detailed Report of the Deliberations of the Council for Revision of the Constitution of the Islamic Republic of Iran (Sessions 1 to 14)*, c 1 (Tehran: The General Department of Cultural Affairs and Public Relations and the Publicity and Publication Department of the Islamic Council, 1380). [In Persian]
- The General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council, *the detailed report of the deliberations of the Constitutional Review Council of the Islamic Republic of Iran (sessions 15 to 28)*, c 2 (Tehran: The General Department of Cultural Affairs and Public Relations and the Department of Publicity and Publications of the Islamic Council, 1380). [In Persian]
- The General Directorate of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council, *the detailed report of the deliberations of the Constitutional Review Council of the Islamic Republic of Iran (sessions 29 to 41)*, c 3 (Tehran: The General Department of Cultural Affairs and Public Relations and the Publicity and Publications Department of the Islamic Council, 2019). [In Persian]
- The General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council of Iran, *the annotated report of the deliberations of the Parliament of the Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran (sessions 1 to 31)*, Volume 1 (Tehran, General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council of Iran, 1364). [In Persian]

- The General Directorate of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council, *Annotated report of the deliberations of the Parliament of the Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran (Sessions 32 to 50)*, Volume 2 (Tehran: General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council, 1364). [In Persian]
- Amid Zanjani, Abbas Ali, *Fundamental Laws of Iran* (Tehran: Majd, 2007). [In Persian]
- Fathi, Mohammad, Kohi Esfahani, Kazem, *The Constitution of the Islamic Republic of Iran Along with Interpretative, Advisory Opinions and... Guardian Council (1359-1396)*, (Tehran: Research Institute of the Guardian Council, 1396). [In Persian]
- Guardian Council Research Center, *Collection of Opinions of the Guardian Council on the approvals of the Islamic Council (First Period)* (Tehran: Vice President for Drafting, Revising and Publishing Laws and Regulations of the Presidential Legal Vice, 2019). [In Persian]
- Guardian Council Research Center, *Collection of Opinions of the Guardian Council on the approvals of the Islamic Council (Second Period)* (Tehran: Vice President for Drafting, Revising and Publishing Laws and Regulations of the Presidential Legal Vice, 2019). [In Persian]
- Guardian Council Research Center, *Collection of Opinions of the Guardian Council on the Approvals of the Islamic Council (6th Period)* (Tehran: Vice President of Legal Affairs, 2013). [In Persian]
- Guardian Council Research Center, *Collection of Opinions of the Guardian Council on the Approvals of the Islamic Council (Fifth Term)* (Tehran: Dadgstar, 2015). [In Persian]
- Mousazadeh, Ebrahim, *Essays in Public Law* (Tehran: Khorsandi, 2013). [In Persian]
- Hashemi, Seyyed Mohammad, *Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran*, Vol. 2 (Tehran: Mizan, 1385). [In Persian]

Articles

- Conference of Speakers of the World Parliaments, [https:// www. ipu. org/ event/fifth-world-conference-speakers-parliament-preceded-fourth-and-final-meeting-preparatory-committee](https://www.ipu.org/event/fifth-world-conference-speakers-parliament-preceded-fourth-and-final-meeting-preparatory-committee) (View Date: 01/10/1401). [In Persian]
- Jalali, Mohammad & Mohammad Mohajeri, “Comparative Analysis of the Powers of the Speaker of the Parliament in the Legal System of Iran, Britain and France”, *Comparative Law Studies*, Vol. 2, (2014), pp. 469-490. [In Persian]
- The Decree Appointing the Members of the Supreme Council of Cultural Revolution in 1375, The Information Base of the Office of Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Seyed Ali Khamenei, r. K: [http:// farsi. khamenei. ir/ message-content? id= 4797](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=4797) (View Date: 01/10/1401). [In Persian]
- The Decree Appointing the Members of the Expediency Council in 1368, The Information Base of the Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Seyed Ali Khamenei, r. K:[http:// farsi. khamenei. ir/ message- content? id=341](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=341) (View Date: 01/10/1401). [In Persian]
- Laws without declaration of opinion by the Guardian Council, Comprehensive System of Opinions of the Guardian Council, See K: <https://b2n.ir/a32250> (view date: 01/10/1401). [In Persian]

Research Reports

- Bahadri Jahormi, Mohammad, Darvishund, Abolfazl, Javaheri, Mohammad, Bahadri, Ali, Alam Elhadi, Sayyed Hojatullah, Raji, Sayed Mohammad Hadi, Research Report Investigating the Nature and Limits of Monitoring the Good Implementation of the General Policies of the System, Islamic Council Research Center, (1389), Machine Gun Number: 8982-1. [In Persian]
- Bahnia, Masih, Research Report on the Duties and Powers of the President of the Islamic Council in the Collection of Laws and

Regulations of the Country, Research Center of the Islamic Council, (2015), Serial Number: 7756. [In Persian]

- Hosseini, Seyed Hossein, Parliamentary Diplomacy Research Report (12); Union of Parliaments of Organization of Islamic Cooperation Member States, Arab Parliament and NATO Parliamentary Assembly, Research Center of Islamic Council, (2015), Serial Number: 14889. [In Persian]
- Darvish Mutoli, Maitham, Research Report on the Position of the Islamic Council in the Legal System of the Islamic Republic of Iran with a Comparative View of the American and British Legal Systems, Guardian Council Research Center, (2012), Serial Number: 13920093. [In Persian]
- Fardipour, Saeed [A], Parliamentary Diplomacy Research Report (7); The 4th Conference of Speakers of the World Parliaments, Research Center of the Islamic Council, (2014), Serial Number: 14440. [In Persian]
- Fardipour, Saeed [b]. Research Report of Regional, Extra-regional and Global Inter-Parliamentary Organizations (1); Inter-Majlis Union, Conference of Speakers of World Parliaments, Research Center of the Islamic Council, (2014), Serial Number: 14366. [In Persian]

استناد به این مقاله: حبیب‌نژاد، سید احمد، تقی‌زاده، احمد، «بازخوانی جایگاه ریاست قوه مقننه در نظام حقوق اساسی ایران»، پژوهش حقوق عمومی، ۲۴(۷۷)، (۱۴۰۱)، صص ۸۱-۱۰۸.

Doi: 10.22054/QJPL.2022.60529.2615